



## مقایسهٔ اجمالی منابع اسلامی و زرتشتی

(در گفت و گو با سید حسن فاطمی موحد)

زرتشت از پیامبران الهی است که برای هدایت مردم در گسترهٔ ایران باستان مبعوث شد. «اوستا»، نام کتاب مقدس زرتشتیان است. کهن‌ترین بخش باقی‌مانده از اوستا که مورد اتفاق همهٔ زرتشتیان است، «گات‌ها» نام دارد. امروزه درستی انتساب برخی از سخنان به این کتاب و پیامبر الهی، افزون بر شماری از موبدان و زرتشتیان از دغدغه‌های سایر پژوهشگران نیز هست. یکی از امور مهم در بررسی هر دینی، پی‌گرفتن منابع آن است. این نکته باید مورد کنکاش قرار گیرد که دستور العمل‌های یک پیامبر الهی از چه طریق به پیروان او در عصرهای پسین رسیده است. اگر دستورها از راه مدارک معتبر نرسیده باشد، پیروی از او بی‌بهره است.

نظر به اینکه جناب آقای سید حسن فاطمی (موحد) در دو حوزهٔ دینی اسلام و زرتشتی، پژوهش‌هایی داشته و نگاشته‌های متعددی منتشر کرده،<sup>۱</sup> ایشان را گزینه‌ای مناسب یافتیم تا در گفت و گو با وی منابع اسلامی و زرتشتی را به شکلی اجمالی با هم مقایسه کنیم.

پس از تدوین این گفت و گو، از ایشان خواستیم تا مآخذ سخنان خود را به منظور درج در پاورقی ذکر کنند.

۱. کتاب «راه راستی، بررسی و نقد باورهای زرتشتیان و باستان‌ستایان» از جمله آثار ایشان است. سایت «راه راستی» یکی دیگر از تلاش‌های این پژوهشگر در موضوع مطالعات زرتشتی است.

- س: ابتدا مقایسه‌ای کلی از کتاب‌های اسلامی و زرتشتی به ویژه نسبت به اینکه کدام یک می‌توانند دین واقعی را عرضه کنند، ارائه کنید.

ج: همان‌گونه که ما کتاب‌هایی ضعیف و غیر قابل اعتنا داریم آنها هم دارند. اما نکته اساسی این‌جاست که ما منابعی داریم که می‌توانیم در زمینه‌های اعتقادی، فقهی، حقوقی، اخلاقی، تاریخی و ... به آنها اعتماد کرده، دیدگاه دین را از آنها برداشت کنیم. در حقیقت، به جهت اصالت این منابع و داشتن ملاک‌های اعتبار عقلایی، می‌توانند نمایانگر اسلام واقعی باشند. اما زرتشتی‌ها به دلیل نداشتن منبع معتبر، از چنین چیزی محرومند.

- س: مگر زرتشتی‌ها مانند ما کتاب آسمانی معتبر ندارند؟ آیا پیامبر آنها وصی و امام پس از خود نداشته و یا دیدگاه افراد دیگری را به عنوان نماینده خود، حجت قرار نداده است؟

ج: زرتشتی‌های امروز فقط بخشی کوچک و کهن‌ترین (یا از کهن‌ترین) قسمت اوستا به نام «گات‌ها»<sup>۲</sup> را قبول دارند که از زرتشت است؛ اما بقیه آن را گفته موبدان می‌دانند و قائلند که ربطی به دین اصلی و حقیقی زرتشت ندارد. به قول دکتر پرویز رجبی: اگر زرتشت، وندیداد (بخشی از اوستا) را می‌دید شاید سگته می‌کرد!<sup>۳</sup>

از سوی دیگر، هیچ وصی و امامی یا نماینده‌ای که مورد تأیید پیامبرشان باشد وجود ندارد. ممکن است برخی، از بعضی ترجمه‌های گات‌ها استفاده کنند که دیدگاه انجمن زرتشتیان مورد تأیید گات‌ها قرار گرفته است. اما وقتی که این عبارات را در ترجمه‌های بهتری مانند ترجمه ابراهیم پورداود دنبال می‌کنیم، چنین چیزی استفاده نمی‌شود. اساساً هیچ‌کدام از ترجمه‌های گات‌ها قابل اعتماد نیستند.

- س: آیا زرتشتی‌ها نمی‌توانند ادعا کنند که گات‌ها برای به‌دست‌آوردن احکام شرعی و امور اعتقادی و دیگر نیازهای دینی کافی است؟

ج: به دلایل متعدّد، خیر:

۲. برخی، کلمه «گات‌ها» را جمع «گات» به معنای سرود می‌دانند و برخی دیگر «گات‌ها» را مفرد می‌دانند و از نظر آنها باید «ها» به «گات» بچسبید.

۳. مصاحبه با روزنامه اعتماد مورخ ۱۳۸۸/۱۲ و ۱۳۸۸/۱۰/۲۰.

اول اینکه حجم گات‌ها بسیار کم است. زرتشتی‌پژوه برجسته، ابراهیم پورداوود در مقدمه ترجمه گات‌ها حجم این کتاب را ۵۵۶۰ کلمه گفته است.<sup>۴</sup> اگر هر صفحه را سیصد کلمه فرض کنیم حجم گات‌ها ۱۸/۵ صفحه می‌شود و اگر ۲۵۰ کلمه بدانیم حجم آن ۲۲/۲ صفحه خواهد بود. آیا چنین کتابی با این حجم می‌تواند این همه نیازهای دینی را برطرف سازد؟

دوم اینکه ترجمه گات‌ها به درستی معلوم نیست. ژان کلنز که بیش از چهل سال روی اوستا و در مورد دین زرتشتی کار کرده معتقد است که ما هنوز بر معنای نیمی از گات‌ها اشراف نداریم و همچنان ترجمه آن در ابهام است. او بر این باور است که مترجمان، ذهنیت‌های خود را به این کتاب تحمیل کرده‌اند.<sup>۵</sup> وی با مقایسه هفت ترجمه گات‌ها به این نتیجه رسیده که به هیچ وجه بر سر معنای این متن اتفاق نظر وجود ندارد.<sup>۶</sup>

موبد خجسته میستری - پژوهشگر زرتشتی در هند - می‌گوید که هنوز ترجمه خوبی از گات‌ها سراغ ندارد و هنوز معنای برخی کلمات معلوم نیست.<sup>۷</sup>

سوم اینکه انتساب گات‌ها به زرتشت معلوم نیست. به کسی که معلوم نیست در کدام هزاره می‌زیسته نمی‌توان هیچ سخن و رفتاری را نسبت داد. بیش از شصت نظریه در مورد تاریخ زندگی زرتشت جمع‌آوری کرده‌ام. از پانصد سال پیش از میلاد مسیح تا نه هزار سال پیش از آن. ممکن است برخی از تاریخ‌ها قابل جمع باشند به این صورت که بعضی تقریبی و بعضی دقیق باشند و اگر این تعداد نظرات را نصف کنیم، باز هم زیاد خواهد بود.

برای مکان تولد زرتشت هم حدود بیست مکان را جمع کرده‌ام. با بررسی بیشتر بعید نیست تاریخ‌ها و مکان‌های بیشتری نیز گفته باشند.

چهارم اینکه فرض کنیم تمام مشکلات قبل را حل کردیم. از کجا متن این کتاب، صحیح و سالم به دست ما رسیده؟ تاریخ کتابت قدیمی‌ترین نسخه موجود از اوستا - که گات‌ها جزئی از آن است -

۴. گات‌ها کهن‌ترین بخش اوستا، ترجمه ابراهیم پورداوود (درگذشت: ۱۳۴۷ش)، ص ۶۲، تهران، اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.

۵. مقالاتی درباره زردشت و دین زردشتی، ژان کلنز، ترجمه احمد رضا قائم‌مقامی، ص ۴۱، انتشارات فرزانه روز، چاپ اول.

۶. مقالاتی درباره زردشت و دین زردشتی، ص ۱۲.

۷. مصاحبه با مجله هفت آسمان، ش ۳۹، ص ۲۰، پاییز ۱۳۸۷.

مربوط به هفتصد هشتصد سال پیش است.<sup>۸</sup> از کجا معلوم این کتاب در طول چند هزار سال، صحیح و سالم تا هفتصد، هشتصد سال پیش رسیده؟

رئیس انجمن موبدان تهران دکتر اردشیر خورشیدیان و نیز نماینده پیشین زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی دکتر کورش نیکنام ادعا دارند گات‌ها بی کم و کاست به ما رسیده<sup>۹</sup> اما ابراهیم پورداوود در مقدمه ترجمه گات‌ها، بی‌آغاز بودن برخی سرودهای گات‌ها و بی‌انجام بودن برخی دیگر و از هم بریده بودن بندهای یک سرود و ناپیوستگی میان بندها را نشانه این دانسته که افتادگی در آن زیاد است. او گات‌ها را متنی پریشان و آشفته معرفی می‌کند.<sup>۱۰</sup>

- س: حجم کم گات‌ها دلیل نمی‌شود که نتوان از آن تمام نیازهای دینی را به دست آورد. مگر قرآن ما چقدر حجم دارد که این همه احکام شرعی و غیر احکام را می‌توانیم از آن به دست آوریم؟

اول اینکه حجم قرآن خیلی بیشتر از گات‌هاست. قرآن با تعداد کلمات تقریبی ۷۸۰۰۰ چهارده برابر گات‌هاست.

دوم اینکه عبارت‌های قرآن، خیلی عجیب است. از یک آیه می‌توان مطالب فراوان را استخراج کرد. «تفسیر راهنما» را ملاحظه فرمایید که از هر سطر قرآن چقدر نکته بیرون کشیده و مسلماً اگر دیگران هم همین دقت‌ها را در آیات به خرج دهند، باز هم نکات فراوان دیگر به دست می‌آورند. اما چنین چیزی را به هیچ وجه در گات‌ها نمی‌یابید. هر کسی خلاف این را ادعا دارد، نشان دهد. یک خاطره:

دوست گرامی موبدیار مهران غیبی که در سال ۱۳۹۵ درگذشت، همین ادعا را مطرح کرد که می‌توان همه نیازها را از طریق گات‌ها به دست آورد. در پرائنتر عرض کنم که سواد دینی ایشان خیلی بود؛ اما به دلیل اینکه پدرش موبد نبود، اجازه ورود به جرگه موبدی نداشت. مقام موبدی میان زرتشتی‌ها موروثی است.

۸. پورداوود در مقدمه گات‌ها کهن‌ترین بخش اوستا، ص ۴۹، کتابت قدیمی‌ترین نسخه را سال ۱۳۲۵م دانسته و آبتین ساسانفر در مقدمه گاتاها سروده‌های اشوزرتشت، ص ۴۶، قدیمی‌ترین نسخه اوستا را متعلق به سال ۱۲۸۸م شمرده است.  
۹. پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان، ص ۷۰، اردشیر خورشیدیان، تهران، انتشارات فروهر، چاپ دوم، ۱۳۸۷ش؛ کنکاشی بر زندگی و اندیشه زرتشت، ص ۱۸۱، کورش نیکنام، تهران، بهجت، چاپ اول، ۱۳۹۳ش.  
۱۰. گات‌ها کهن‌ترین بخش اوستا، ص ۴۱۳.

عین پیام ایشان که در سایتهم گذاشت این است: «گات‌ها کتاب آسمانی من است. برای من کافی است. همه پرسش‌ها و نیازهای مرا برآورده می‌سازد.»

یکی از بحث‌های پردامنه و پرتنش قضیه ازدواج با محارم در میان زرتشتی‌ها در گذشته است. من این بحث را با ایشان مطرح کردم. قرآن با صراحت ازدواج با محارم را ممنوع کرده است. در سوره نساء آیه ۲۳ می‌خوانیم:

«حرام شده است بر شما، مادرانتان، دختران، خواهران، عمه‌ها، خاله‌ها، دختران برادر، دختران خواهر شما، مادرانی که شما را شیر داده‌اند (مادران رضاعی)، خواهران رضاعی شما، مادران همسرانتان، دختران همسران که در دامان شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش داشته‌اید - و چنانچه با آنها آمیزش نداشته‌اید، (دختران آنها) برای شما مانعی ندارد - و (همچنین حرام است بر شما) همسرهای پسرانتان که از نسل شما هستند (نه پسرخوانده‌ها)».

از ایشان خواستم باگات‌ها حرمت ازدواج با محارم را نشان دهد.

جواب داد که در گات‌ها به دختر و پسر سفارش شده برای ازدواج، خردمندانه یکدیگر را برگزینند. اگر کسی محرم خود را برای ازدواج انتخاب کند، فرزندشان ناقص الخلقه خواهد شد و چنین ازدواجی خردمندانه نیست.

به جناب آقای غیبی گفتم: اگر کسی مادرش در سن یائسگی بود یا خواهرش رجم خود را در آورده بود، حرمت ازدواج با چنین مادر و خواهری که بچه‌دار نمی‌شوند، از کجای گات‌ها به دست می‌آید؟

دیگر از ایشان جوابی نرسید.

- س: گات‌ها مربوط به چند سال پیش است؟

وقتی ندانیم زرتشت در کدام هزاره بوده، اگر گات‌ها را برای او بدانیم، به تبع آن، تاریخ تدوین آن نیز نامعلوم خواهد بود و به تاریخ‌هایی که برای آن ذکر می‌کنند نمی‌توان اعتماد کرد.

- س: کمی دایره بحث را کوچک‌تر کنیم و مقایسه‌ای داشته باشیم بین منابع فقه زرتشتی و فقه اسلامی. منبع اصلی احکام شرعی ما قرآن و روایت است. طبق گفته شما، زرتشتی‌ها غیر از گات‌ها را معتبر نمی‌دانند و در گات‌ها هم سخنی از احکام شرعی نیست و روایت

معتبر هم از زرتشت یا کسی که مورد تأیید او باشد، وجود ندارد. پس دستورهای شرعی آنها از کجا گرفته شده؟

قبل از جواب به پرسش شما، عرض کنم کلمه «روایت» در اصطلاح دینی ما به معنای سخن، عمل یا تقریر معصوم علیه السلام است و به عبارت دیگر به معنای حدیث است. اما در اصطلاح دینی زرتشتی‌ها «روایت» و «روایات» به کتاب‌هایی گفته می‌شود که احکام شرعی در آنها گرد آمده. این دو کلمه، معادل «توضیح المسائل» است؛ مثل روایت امید آشوهیستان، روایت پهلوی، روایات داراب هرمز دیار و روایات آذرفرنبغ فرخزادان.

برخی گفته‌اند که «روایت» در اینجا مرگب از دو جزء «زوا» (در برابر «ناروا») و «یت» است که اولی فارسی و دومی عربی است.<sup>۱۱</sup> به نظر من چنین چیزی درست نیست. یاء و تاء که در عربی در پایان کلمات می‌آید و اسم مصدر می‌سازد، حرف یاء تشدید دارد مثل انسانیت.

«شایست ناشایست» هم به احکام فقهی آنها اطلاق می‌شود. کتابی فقهی و بی‌نام هست که احکام شرعی در عصر ساسانی در آن گرد آمده است و عنوان «شایست ناشایست» را بر آن نهاده‌اند. ما کتاب‌های فقهی فتوایی و فقهی استدلالی داریم. در کتاب‌های فقهی فتوایی، مجتهد فقط دیدگاه‌های خود را بیان می‌کند بدون دلیل آنها مثل توضیح المسائل مراجع تقلید. اما در کتاب‌های فقهی استدلالی، نویسنده، دلیل فتواهای خود را هم بیان می‌کند. او توضیح می‌دهد که این فتوا را از کدام آیه قرآن یا حدیث گرفته است. اگر فقیهان فتوایی بدهند بدون استناد به منابع فقهی، ارزش ندارد.

فقیهان به هر حدیثی اعتماد نمی‌کنند. زنجیره سند حدیثی که مثلاً کلینی در کافی نوشته تا امام معصوم علیه السلام باید معلوم باشد. کلینی باید بگوید که این حدیث را از چه کسی شنیده و آن شخص از چه کسی تا برسد مثلاً به امام صادق علیه السلام. به همین هم بسنده نمی‌کنند بلکه با کمک گرفتن از علم رجال، شرح حال یک یک راوی‌ها را بررسی می‌کنند تا معلوم شود آیا مورد اعتماد هستند یا خیر.

۱۱. شایست ناشایست (مقدمه)، ص ۸، تحقیق کتابیون مزداپور، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۹۰ ش.

اگر فقط یکی از ده نفری که از یکدیگر روایت را نقل کرده‌اند، دروغگو شناخته شد، آن حدیث کنار گذاشته می‌شود بلکه حتی اگر یکی از آنها ناشناس باشد و ندانیم مورد اعتماد است یا خیر، به آن حدیث عمل نمی‌کنند.

ملاک‌ها و مباحث دیگری هم برای پذیرش حدیث، مطرح است که اینجا مجال پرداختن به آنها نیست.

زرتشتی‌ها فقه استدلالی ندارند. در کتاب‌های فقهی و حقوقی آنها، استدلال نمی‌بینیم. کسی نمی‌گوید: این حکم شرعی را از فلان جای اوستا گرفتم یا به استناد سخنی از زرتشت است یا چیز دیگر (مگر به ندرت).

نمی‌توان گفت: آنها منابعی برای دلیل فتواها داشته‌اند و به ما نرسیده؛ زیرا در ایران باستان مطالب به صورت شفاهی و سینه به سینه منتقل می‌شد و به ندرت چیزی نوشته می‌شد. موبدان دست کم در زمان هخامنشیان، نوشتن را اهریمنی می‌دانستند و به خود اجازه نمی‌دادند متون دینی را بنویسند.<sup>۱۲</sup> واقعا چقدر می‌توان به گفته‌های شفاهی اعتماد کرد؟ در گذر زمان، مطالب شفاهی، از روی سهو یا عمد، تغییر می‌کنند آن هم در طول صدها و شاید هزاران سال. حالا حساب کنید که ممکن است چه بر سر فقهشان آمده باشد.

خانم دکتر کتایون مزداپور، زرتشتی است و خود پژوهشگر برجسته‌ای است و آثار ارزشمند علمی دارد. ایشان می‌گوید: فقه زرتشتی اصلاً ربطی به زرتشت ندارد و در بسیاری موارد با گات‌ها هماهنگ نیست.<sup>۱۳</sup>

- س: زرتشتی‌ها مدعی‌اند که کتاب‌های آنها با حمله عرب‌ها به ایران از بین رفته است. شاید کتاب‌هایی معتبر در اختیار موبدها بوده که طبق آنها فقهشان را نوشته‌اند.

فرض می‌کنیم این حرف درست باشد و مسلمان‌ها چنین کرده باشند؛ اما از کجا معلوم آن کتاب‌ها معتبر بوده؟ خود شما هم می‌گویید: شاید معتبر بوده‌اند. اما با «شاید» نمی‌توان اعتبار حرفی را به

۱۲. نگاهی نو به دیرینگی اوستا، ص ۷۷، مهدی رستمی، قم، انتشارات تولی، چاپ اول، ۱۳۹۶ش به نقل از زردشتیان باورها و آداب دینی آنها، ص ۷۷.

۱۳. مصاحبه با مجله هفت آسمان، ش ۲۵، ص ۱۲، بهار ۱۳۸۴ش.

اثبات رساند. اساسا اگر بخواهیم با منطق «شاید» به حرف‌ها اعتبار ببخشیم، هر کسی هر چه گفت، معتبر می‌شود؛ چون «شاید» مدرکی داشته.

از این گذشته، کلمه «شاید» را از پرسش شما حذف می‌کنم و می‌گویم: حتما کتاب‌هایی معتبر از خود زرتشت داشته‌اند و فتواها برگرفته از همان کتاب‌هاست. اما از کجا معلوم، موبدها سخن زرتشت و عبارت کتاب‌هایی را که پیش از ساسانیان نوشته شده، به درستی متوجه می‌شدند؟

ببینید قرآن کریم، گرامی‌ترین شخص نزد خداوند را با تقواترین شخص دانسته است<sup>۱۴</sup> به عبارت دیگر هر کسی تخلف و گناه کمتری دارد، عزیزتر است تا برسد به پیامبر که گناهی ندارد. اما در اوستا این افراد، برتر دانسته شده: خانه‌دار نسبت به بی‌خانه، فرزندان نسبت به بی‌فرزند، ثروتمند نسبت به فقیر!<sup>۱۵</sup> این یک نکته عقیدتی محسوب می‌شود و فقهی نیست؛ اما نشان‌دهنده جهان‌بینی کتابی است که ادعای رسیدن به یک پیامبر را دارد.

- س: آیا نمونه‌هایی از این دست، در منابع فقهی زرتشتی هم وجود دارد؟

سگ در نظر زرتشتی‌ها خیلی مقدس بوده و کشتن سگ آبی کفاره سنگینی داشت و در اوستا کفاره‌های بسیار برای این کار ذکر شده. یکی از کفاره‌ها این بوده که یک دختر پانزده ساله را با جهیزیه کامل، به ازدواج موبد درآورند.<sup>۱۶</sup>

کفاره برخی گناهان، کشتن هزاران بلکه ده‌ها هزار حیوان از قبیل مورچه و موش و مار و لاک پشت بود.<sup>۱۷</sup> طبیعی بود که کسی از عهده آن برنمی‌آمد. به‌ناچار پول‌هایی به موبدان می‌دادند تا از جانب آنها این حیوانات را بکشند.<sup>۱۸</sup>

باز در همین وندیداد آمده که اگر کسی مرده‌ای را لمس می‌کرده یا به آن نزدیک می‌شده باید موبد آن شخص را غسل دهد. دستمزد موبد از شتر نر بسیار بزرگ تا چهارپای کوچک مثل بره تعیین

۱۴. حجرات، ۱۳.

۱۵. وندیداد، ج ۱، ص ۴۶۳ و ۴۶۴، فرگرد ۴، ش ۴۷ و ۴۸، ترجمه و واژه‌نامه و یادداشت‌ها از هاشم رضی، تهران، انتشارات فکر روز، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۱۶. وندیداد، ج ۳، ص ۱۴۳۳، فرگرد ۱۴، ش ۱۵.

۱۷. وندیداد، ج ۳، ص ۱۴۲۹، فرگرد ۱۴.

۱۸. وندیداد، ج ۳، ص ۱۴۴۸، قسمت شرح.



شده. جالب آنکه زحمت غسل دادن افراد به یک صورت بوده اما اختلاف دستمزدها، بیشتر بر اساس ثروت افراد بوده مثلا دستمزد تطهیر فرمانروای شهر، یک شتر نر بزرگ بوده و دستمزد تطهیر کدخدا یک گاو نر بزرگ تا به پایین.<sup>۱۹</sup>

مبارزه با دیو را در وندیداد می‌بینیم و ادعا می‌کنند که منظور مبارزه با میکروب است. اما قرائنی، نادرستی این ادعا را نشان می‌دهد. مثلا سفارش کرده که برای دیوزدایی از راهی که انسان مرده یا سگ مرده را عبور داده‌اند، سگی با رنگی خاص را سه‌بار از آنجا عبور دهند و اگر سگ با اختیار خود عبور نکرد، با خواندن دعایی خاص دیوها را دور کنند.<sup>۲۰</sup>

اگر کسی به اندازه جوراب، مرده‌ای را می‌پوشاند، ۸۰۰ ضربه شلاق می‌خورد و اگر به اندازه شلوار، می‌پوشاند ۱۲۰۰ ضربه و برای پوشاندن تمام بدن مرده، دو هزار ضربه شلاق تعیین شده بود.<sup>۲۱</sup>

برای کسی که به مرده‌ای که با سگ یا لاشخور پاره پاره شده، نزدیک شود، پانزده بار غسل با ادرار گاو نر تعیین شده و اگر جسد متلاشی نشده باشد سی بار.<sup>۲۲</sup>

- س: آیا برای این موارد توجیهاتی نمی‌آورند تا پذیرفتنی شود؟

می‌گویند: شستشو و غسل با ادرار گاو، برای این بوده که ادرار گاو خاصیت ضد عفونی دارد.<sup>۲۳</sup> یکی از دستوره‌های وندیداد آن است که سگی را بیاورند تا جنازه را ببیند و به اصطلاح سگ‌دید کنند. می‌گویند: فلسفه این کار آن است که اگر شخص، واقعا نمرده، سگ تشخیص دهد. اما چنین چیزی درست نیست. وندیداد تصریح کرده که این کار برای دور کردن دیوها از مرده است.<sup>۲۴</sup> از سوی دیگر اگر مرده‌ای سر در بدن نداشت، باز هم سگ‌دید می‌کردند. در حالی که شک و تردید در مرگ چنین شخصی نیست.

۱۹. وندیداد، ج ۳، ص ۱۱۲۹ به بعد.

۲۰. وندیداد، ج ۲، ص ۸۶۸، فرگرد ۸، ش ۱۴ - ۲۲.

۲۱. وندیداد، ج ۲، ص ۸۷۲، فرگرد ۸، ش ۲۳ - ۲۵.

۲۲. وندیداد، ج ۲، ص ۸۹۲، فرگرد ۸، ش ۹۷ - ۹۸.

۲۳. پاسخ به پرسش‌های دینی زرتشتیان، ص ۲۲۰.

۲۴. وندیداد، ج ۲، ص ۷۴۱، فرگرد ۷، ش ۱ - ۳.

کتاب‌های زرتشتی‌ها بسیار سفارش به کشتن برخی حیوانات کرده‌اند و حتی کشتن آنها را واجب شمرده‌اند. زرتشتی‌ها این کار را چنین توجیه می‌کنند که حیواناتی مثل مورچه، گرگ، سوسک، مگس، موش، پشه و عقرب که به کشتنشان سفارش شده برای این است که به انسان‌ها آسیب می‌رسانند. اما حیواناتی که سفارش به کشتن آنها شده منحصر به این موارد نیست. حیوانات دیگری مثل فیل، لاک‌پشت، همه درندگان و خزندگان و گزندگان سفارش به کشتن آنها شده است.<sup>۲۵</sup> لاک‌پشت چه زبانی برای انسان‌ها دارد که باید کشته شود؟ به فرض که لاک‌پشت به انسان آسیب برساند، اما خرگوش به دلیل جویدن ریشه گیاهان، صدمه‌اش خیلی بیشتر است. چرا به کشتن لاک‌پشت سفارش شده اما اگر کسی خرگوش را می‌کشته، حکمش اعدام بوده؟<sup>۲۶</sup>

- س: چگونه است که زرتشتی‌ها به چنین فقهی پایبندند؟ مخصوصاً نسل امروز که به دنبال دلیل است و به راحتی هر حرفی را نمی‌پذیرد؟

به گفته خانم مزداپور زرتشتی‌ها پس از سال‌های ۱۳۳۰ش عمده آداب دینی کهن را کنار گذاشتند. در همین سال‌ها موبدها در برابر دگرگونی این آداب، مقاومتی نشان ندادند و بسیاری از فرزندان موبدان به حرفه‌های دیگر رو آوردند و به دلیل موروثی بودن موبدی، به ناچار دیگر افراد به عنوان «موبدیار» وارد این عرصه شدند.<sup>۲۷</sup>

تا آنجا که می‌دانم، امروزه تقریباً فقه زرتشتی فراموش شده و به اندکی از آن پایبندند و هرچه جلوتر می‌رویم این دوری بیشتر می‌شود. حضورشان در عبادتگاه‌هایشان بسیار کم شده و آنهایی را که در این اماکن دیده‌ام معمولاً با همدیگر در مورد مسائل روزمره صحبت می‌کنند و به ندرت افرادی خرده‌وستا می‌خوانند.

در یکی از روستاهای زرتشتی‌نشین پیرمردی زرتشتی به این مضمون به من گفت که دین زرتشتی مجموعه‌ای از آداب و رسوم است.

۲۵. در وندیداد، ج ۲، ص ۷۶۲ - ۷۷۵، قسمت شرح، فهرستی از حیواناتی که باید کشته شوند آمده است. در کتاب روایت پهلوی، ص ۳۳، ترجمه مهشید میرفخرایی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۶۷ش، نیز نام تعدادی از آنها آمده است.

۲۶. وندیداد، ج ۲، ص ۶۹۷ قسمت شرح.

۲۷. چند سخن، کتابیون مزداپور، ص ۲۷، به کوشش ویدا نداف، تهران، انتشارات فروهر، چاپ اول، ۱۳۹۱ش.

سال ۱۳۹۳ کتابی به نام «یزشن» به قلم یک موبدیار چاپ شده. عنوان فرعی کتاب، «چگونگی اجرای آیین‌های دینی زرتشتیان» است و آداب و رسوم میان زرتشتی‌ها در آن گرد آمده؛ مثلاً هنگام اجرای مراسم ازدواج، این چیزها گذاشته شود: چراغ روشن، نقل، کیکه آینه، گلاب‌پاش، تخم مرغ، نخ و سوزن، قیچی، انار شیرین و ...<sup>۲۸</sup> همچنین در سفره‌های دیگر جشن‌ها و عزاها چه چیزهایی گذاشته شود.

بنا به نوشته نویسنده در مقدمه، کتاب به سفارش رئیس انجمن موبدان تهران برای هماهنگی و همسانی اجرای مراسم و آیین‌های دینی زرتشتیان به نگارش در آمده است<sup>۲۹</sup> و تصویر تأییدی انجمن موبدان تهران در آغاز آن چاپ شده است.

این آداب و رسوم ربطی به دین ندارد. ما مسلمان‌ها نیز رسوم فراوان داریم که ربطی به دینمان ندارد و لذا علمای ما در این امور دخالت نمی‌کنند و هرچه هم خوب باشند به اسلام ربط نمی‌دهند. شاید دلیل اصلی که این موارد را جزو دین زرتشتی آورده‌اند این است که فقه کهنشان کنار رفته و باید جایگزینی برای آن داشته باشند. البته ما چیزی که جزو دین نباشد و کسی آن را از دین بداند، بدعت می‌دانیم و حرام؛ چون در این صورت به مرور زمان، دیگر چیزی از دین باقی نمی‌ماند و بدعت‌ها جایگزین آن می‌شود.

- س: بالاترین مقام دینی آنها که در این زمان در مورد احکام فقهی و حقوقی اظهار نظر می‌کند کیست؟

انجمن موبدان تهران. البته اگر زرتشت گفته بود که در امور دینی، سخن چنین انجمنی حجت است، قابل قبول بود اما چنین چیزی از زرتشت سراغ نداریم.

اگر عالمی از علمای ما یافت شود که مطلبی را به عنوان دستور اسلام مطرح کند بدون اینکه از منابع فقهی اخذ کرده باشد، ارزش ندارد. اینکه ما روی حرف مراجع تقلید حساب باز می‌کنیم برای این است که خودمان نمی‌توانیم احکام شرعی را از منابع استخراج کنیم و لذا به مراجع تقلید به عنوان متخصص، رو می‌آوریم. همان‌طور که اگر بخواهیم ساختمان بسازیم به مهندس و بنا مراجعه می‌کنیم. اگر بیمار شویم به پزشک مراجعه می‌کنیم. اگر ماشینمان خراب شود سراغ تعمیرکار ماشین می‌رویم.

۲۸. یزشن، مهربان آفرین، ص ۱۴، تهران، فروهر، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.

۲۹. یزشن، ص ۷.

ما نمی‌توانیم متخصص در همه رشته‌ها شویم. مراجعه زرتشتی‌ها به انجمن موبدان به عنوان اینکه احکام را از منابع دینی در بیاورند پسندیده است به شرطی که انجمن، پایبند باشد که از کتاب‌های دینی استخراج کنند. همان‌گونه که عالمان ما دلایل دیدگاه‌های دینی خود را بیان می‌کنند و توضیح می‌دهند که این فتوا را از کدام آیه و حدیث به دست آورده‌اند. جا دارد از انجمن موبدان نیز خواسته شود که نظریاتشان را به منابع دینی کهن و مورد تأیید زرتشت مستند کنند؛ البته اگر چنین منابعی وجود دارد.

با تشکر جهت شرکت در این مصاحبه کوتاه.

من هم سپاس گزارم.